

# جنس اول

توانایی‌های زنان برای دگرگونی جهان

هلن فیشر

ترجمه نغمه صابری پور

فرهنگ نشر نو  
با همکاری نشر اسیم  
تهران-۱۳۹۵

## جنس اول

توانایی‌های زنان برای دگرگونی جهان

ترجمه نفیسه صفاریان پور

### The First Sex:

*The Natural Talents of Women and  
how They are Changing the World*

Fisher, Helen

Ballantina, USA 2000

فرهنگ نشر نو

تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم، پلاک ۱۳،  
طبقه سوم - تلفن: ۸۸۷۴۰۹۹۱

نوبت چاپ اول، ۱۳۹۵

شمارگان ۱۱۰۰

لیتوگرافی باختر

چاپ غزال

ناظر چاپ بهمن سراج

همه حقوق محفوظ است.

### فهرست - بخانه ملی

پیشرو، هلن.

Fisher, Helen E.

عنوان و نام پدیدآور جنس اول، هلن فیشر.

ترجمه صفاریان پور.

تولید: نشر نو، ۱۳۹۵.

۴۲۸ ص.

۹۷۸-۳-۶۱۱-7439-88-3

بر اساس اطلاعات

The First Sex. The Natural Talents of...

۱. زنان. ۲. زنان - روانشناسی. ۳. - فیزیولوژی.

۴. رهبری زنان. ۵. تفاوت بین جنس. ۶. استعداد.

الف. - صفاریان پور، نفیسه، ترجمه. - م. ترجم.

ب. عنوان: جنس اول: توانایی‌های زنان برای

دگرگونی جهان.

۹۱۳۹۵ ج ۹ ف ۷ / ۲۹۷ GN

۳۰۵ / ۴

۴۲۰۱۸۶۹

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

مرکز بخش آسیم

تلفن و دورنگار ۸۸۷۴۰۹۹۲-۴

بها ۳۳۰,۰۰۰ ریال

## مقدمه مترجم

بر شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در کنار او آرامش بیابید.

سوره روم آیه ۲۱

به یاد دارم در اولین ترم تحصیلات دانشگاهی‌ام استاد درس گفت و شنود با زیرکی خاصی به قصد ترغیب دخترها، کلاس به حرف زدن به زبان انگلیسی بحث داغی را مطرح کرد: آیا زنان بر مردان؟ و غیرت زنانه خیلی از دخترها به جوش آمد و همین امر باعث شد تا با انگیزی شکسته بسته خاص دانشجویان ترم اول شروع کنند به دفاع از - مردان - مجن انشان. جایتان خالی بود ببینید روزهایی که گفت و شنود داشتیم سرِ درس به طوفانی به پا بود. همه می‌کوشیدند ثابت کنند زنان و مردان با هم برابرند و بر زو - بازو هیچ تفاوتی میان تواناییهای آنها وجود ندارد.

سالها بعد که معقول‌تر و منطقی‌تر شدم از خود می‌پرسیدم چرا قرار بود توانایها و استعدادهای زن و مرد از هر لحاظ با هم برابر باشد پس دلیل آفرینش هردوی آنها چه بود. موضوع دیگری از نیز طی این سالها آموخته بودم و آن اینکه برای کسب حقوق زنان نمی‌توان صرفاً به بحثهای احساسی بسنده کرد بلکه باید از مدارک و شواهد و حقایق علمی سود جست، حقایقی که به زنان کمک می‌کنند تا به خودباوری برسند - چیزی که در بحثهای دو آتشه کلاس گفت و شنود خیلی دخترها به آن توجه نداشتند. خیلی برایم جالب بود

وقتی دست تقدیر کتاب جنس اول را سرِ راهم قرار داد چرا که بر این باورهای من صحه گذاشت. نویسندهٔ این کتاب بر خلاف خیلی از مدافعان حقوق زنان تلاش ندارد تا برابری زنان و مردان را به اثبات رساند بلکه می‌خواهد براساس آمارها و مطالعات علمی نقاط قوت زنان را به آنها بشناساند و به آنها خودباوری دهد و نکتهٔ جالب آنکه برای رسیدن به این هدف هرگز مردان را به عنوان گروهی متخاصم در نظر نگرفته و نکوشیده تواناییها و قابلیت‌های آنها را نادیده بینگارد. به عقیدهٔ او روزی فرا خواهد رسید که مرزهای جنس اول یا جنس دوم بودن در هم خواهد شکست و جهان آهسته آهسته به سوی جامعه‌ای حرکت خواهد کرد که در آن همهٔ افراد دست در دست هم دارند و در آن تمام قوت‌ها در دو جنس چنانچه باید درک می‌گردد، ارزنده شمرده می‌شود و به کار گرفته می‌شود.

## فهرست

۳

عصر کهن

۱۳

فصل اول: شیوه تفکر شبکه‌ای  
توانایی زنان در مواجهه با موضوع با در نظر گرفتن  
شرایط محیطی

ذهن زنانه □ ذهن مردانه □ توانایی انجام چندین کار در آن واحد  
□ شیوه تفکر شبکه‌ای در ذهن مردان □ چهارراه‌های ذهن □  
زنهایی که در شیوه تفکر شبکه‌ای نقش دارند □ اتصالات مغزی  
در زنان و مردان □ تکامل شیوه تفکر شبکه‌ای □ تفکر شبکه‌ای  
در محل کار □ نقش تفکر شبکه‌ای در آینده □ انعطاف‌پذیری  
ذهن زنان □ شم و بینش شهودی زنان □ تفکر احساسی □  
انباشتن اطلاعات □ زنان و برنامه‌ریزیهای بلندمدت □ بیولوژی  
نگرش بلندمدت □ کلی‌گرایی نوین □ نیروی تخیل □ احساس  
تعداد زنان شاغل □ فرزندان کمتر □ آسان‌تر شدن دارهای خانه □  
وجود مشاغل بیشتر برای زنان □ تعامل زنان به کار بیرون از  
خانه □ افزایش جهانی حضور زنان در بازار کار □ بهره‌وری  
وضعیت زنان □ ارزش تفکر شبکه‌ای در آینده

۵۳

فصل دوم: دیدگاه زنان و مردان نسبت به قدرت  
زنان و کارهای گروهی

مردان طالب مقام هستند، زنان عاشق برقراری ارتباط □  
گروههای برابرگرای زنانه □ دیدگاه بُرد - بُرد زنانه در محل کار  
□ مردان تنها به قصد بُرد یا باخت وارد میدان می‌شوند □ مردان،

زنان، و استرس محیط کار □ تفاوتهای رفتاری زنان و مردان در محیط کار □ شوخی در محیط کار □ آیا دختران و پسران آموخته‌اند قدرت را به سبکی متفاوت معنی کنند؟ □ سیاستهای رفتاری میمونها □ قدرت به عنوان جاذبه جنسی □ منشأ دوستیهای زنانه □ بیولوژی مربوط به اشتیاق زنان به برقراری ارتباط □ تستوسترون: هورمون برتری طلبی □ بیولوژی مرتبط با تمایل به خطر کردن □ زنان و کینه‌هایی که به دل می‌گیرند □ وضعیت زنان در شرکتهای تجاری □ چرا زنان به مقامهای بالای مدیریتی ارتقا نمی‌یابند □ برقراری تعادلی ظریف میان کار و خانواده □ رواج نظامهای کاری برابرگرا □ مدیریت غیرمتمرکز □ شایعهای غیررسمی (ترکیبی) □ نقش زنان در شرکتهای هیبرید □ زنان مؤسسان شرکتهای تجاری جدید □ تحول ساختار بر مبنای قدرت

## فصل سوم: مهارتهای کلامی زنان

### مریان عصر اطلاعات

به دنیا می‌آیند تا حرف بزنند □ موانعی گفتاری مغز زنان □ تأثیر گستردگی بیشتر مراکز کلامی بر مهارتهای گفتاری □ نقش استروژن در تواناییهای گفتاری □ آیا حرف زدن دارای منشأی ژنتیکی است؟ □ حرف زدن با نوزادان □ ارتباط کلامی □ زنان در رسانه‌های گروهی □ زنان در عرصه تلویزیون □ نفوذ تهیه‌کنندگان در عرصه رادیو و تلویزیون □ آنچه زنان می‌فهمند □ تلویزیون تماشا کنند □ حرفه نویسندگی □ چاپ و نشر □ شایعات در نشریات □ زنان و اینترنت □ زنان و آموزش □ پرورش □ معلمان □ رواج تدریس خلاقانه □ آینده تحصیلات عالی □ کلاسهای غیررسمی □ آموختن در تمام عمر □ قدرت یعنی دانش

## فصل چهارم: توانایی خواندن فکر

### توانایی زنان در مراوده با مردم

□ حس لامسه در زنان □ زنان شنونده‌های خوبی هستند □ حس بویایی زنان □ جوانه‌های چشایی □ قدرت خارق‌العاده

بینایی زنان در شب □ میدان دید وسیع تر □ زنان و رنگها □  
خواندن چهره‌ها □ نشانه‌های غیرکلامی □ به یاد آوردن اشیاء و  
محیط فیزیکی پیرامون □ آداب‌دانی اجتماعی □ زنهای تأثیرگذار  
روی مهارت‌های اجتماعی «اجرائی» □ کنجکاوی زنان □ زنان،  
در خدمت جامعه □ مشاوران، افسران پلیس، و کارآگاهان زن □  
خرده فروشی □ راههای خلاقانه سپری کردن اوقات فراغت □  
خانه‌های پرتجمل □ دلالتان فرهنگ □ وکلای زن □ اقامه دعوی  
□ راه‌های برد سپرد □ پیش‌زمینه تاریخی زنان در امر  
میانجیگری □ قضاوت به سبک زنانه

۱۷۹

## فصل پنجم: جای‌میان بقراط

زنان، التیام بخش آدم

زنان، التیام بخش آدم در جمع سنتی □ جایگاه تثبیت شده زنان  
در قلمرو پزشکی □ زنان و نشان دادن احساسات □ مردان و  
توانایی مهار احساسات □ سولمیزی خویشنداری احساسی  
مردان □ مردان و کنترل احساسات □ زنان احساسات □  
همدردی زنانه □ افسردگی □ دعوت بهاره □ روند  
تکاملی همدردی زنانه در طول تاریخ □ عامل هورمونی  
احساس همدردی □ نشان دادن احساسات در محل کار □  
شکلیابی زنانه □ شیوه خاص زنان در به دست گرفتن - اقوی  
جراحی □ مردان مهندس □ تستوسترون و رابطه آن با درک  
فضایی □ شیوه زنان در مداوای بیماران □ پزشکان زن و احساسات  
خاصی را برمی‌گزینند □ پرستاران □ درمان تمامی جوانب □  
بیماری □ پزشکی مکمل □ بازگشت قابل‌ها □ جادوگران قرن  
بیست و یکم

۲۱۹

## فصل ششم: شیوه زنان در رهبری

زنان در جامعه مدنی و دولت

جامعه مدنی □ روند شکل‌گیری نهادهای مدنی □ زنان و  
اصلاحات اجتماعی □ زنان در جامعه مدنی □ زنان در بنیادها □  
کمک‌های خیرخواهانه □ شکوفایی جوامع مدنی در سراسر

جهان □ رهبری بین‌المللی زنان □ زنان، بر باد دهندگان دودمان  
فرمانروایان □ زنان و دولت □ مادرسالاری، افسانه‌ای بیش  
نیست □ اگر زنان بر جهان حکومت می‌کردند □ زنان، مردان، و  
جنگ □ مردان مدافع □ هورمونهای مرتبط با نبرد □ ارتش نوین  
□ آیا زنان هرگز به تساوی شغلی با مردان خواهند رسید؟ □  
ارتباط میان ساختمان مغز و ترجیح مشاغل خاص □ ساختار  
نابرابر □ ندای درون

### فصل هفتم: فردا متعلق به زنان است

۲۵۹

زنان، بیایند دولت را چگونه دگرگون خواهند ساخت  
تلاقی نیروهای جنسیتی و زیستی □ تساوی میان زنان اجداد ما با  
مردان □ اصلاحات، خدا و فرمانبرداری زنان □ اختراع گاواهن: مرگ  
برابری زن و مرد □ سقوط برقمیت زنان، جنس دوم □ افسانه‌های  
مربوط به زنان فرماندار □ زنان و مشکلات تحمیلی □ یلکانی  
پریچ و خم □ موج جدیدی از زنان میانسال □ یائسگی قدرتمند □  
«نفرین» □ «اقتدار آرامش‌طلب» □ چرا ایستگی؟ □ نظریهٔ مربوط به  
مادربزرگ شدن □ درایت و خرد دهن یائسگی □ انگیزه‌های  
زنتیکی احساس وظیفه نسبت به اجتماع □ سالمندان قدرتمند □ زنان  
چگونه رأی می‌دهند؟ □ تأثیر فزایندهٔ زنان بر آیهٔ «استحباتی» □ زنان  
مشاغل مختلف دنیای تجارت را چگونه متحول می‌کنند؟ □ زنان

### فصل هشتم: مدنیت جنسی

۲۹۹

#### میل جنسی زنانه

عطش ابدی □ دنیای جنسی مردان □ چه عواملی سبب تحریک  
جنسی زنان می‌شود؟ □ تسلیم شدن زنانه □ زنان و مشکل از  
دست دادن تمرکز حواس □ آیا میل جنسی زنان قوی‌تر است یا  
میل جنسی مردان؟ □ میل جنسی متفاوت زنانه □ ارتباط میان  
حواس پنجگانه با میل جنسی زنان □ ارتباط میل جنسی با  
افزایش سن در زنان □ تنوع‌طلبی جنسی و روسپی‌گری □  
انتعاط‌پذیری جنسی زنانه □ محدودیتها و آزادیهای جنسی در  
دوران مختلف □ آزادیهای قرن بیستم □ زنان و آزادیهای

جنسی □ آزادیهای جدید □ از میان رفتن معیارهای تبعیض آمیز  
□ زنان و مردان در محیط کار □ رفتارهای اغواگرانه □ مدنیت  
جنسی

۳۳۳

## فصل نهم: دلباختگی

عشق در قرن بیست و یکم

• بزرگیهای عشق پر شور □ دنیای دو نفره □ افکار مزاحم □ تمام  
تو □ معطوف به محبوب می شود □ خلق و خوی مثلون □  
شتیاق بسیار به یگانگی احساسی با محبوب □ احساسات  
• ارشدی □ اشتاق برای رسیدن به پیوند جنسی □ عشق و  
هوس دو اساس متفاوت □ تأثیر مواد شیمیایی مغز بر  
عشقهایی پر شور □ آیا حیوانات نیز مجذوب یکدیگر می شوند؟  
□ ضعف ابدی انسان در برابر زیبایی □ ارتباط عشق زنان با  
ثروت و موقعیت مردان □ عاشق شدن در نگاه اول □ چرا او؟ □  
الگوهای عشقی افراد □ جهان معاصر و عشقهایی آتشین □ در  
جستجوی شادکامی □ ازدواج تمام با عشق □ عشق آزاد □ از  
میان رفتن سنت چند همسری □ فیلمها، نشریات، فیلمهای  
سینمایی و برنامه های تلویزیونی از رونمای عشق □ انتخاب  
مردانی متفاوت □ عشقهایی اینترنتی □ عشق در دوران پیری □  
هیولای حسادت □ غم عشق □ تعقیب محبوب □ بار  
احساسات □ زنان و آینده

۳۳۷

## فصل دهم: ازدواجهای هم تراز

تجدید ساختار ازدواج

ازدواج □ مواد شیمیایی مرتبط با علقه روحی □ اوکسی توسین:  
ماده شیمیایی مؤثر در تمایل به «آغوش گرفتن» □ ارتباط میان  
تستوسترون و علقه روحی □ تکامل روند برقراری پیوند روحی  
با همسر □ ازدواج هم تراز: پیوند دو انسان با ذهنیتی مشابه □  
تفاوت در تفسیر مفهوم صمیمیت □ رواج تفسیر زنانه از مفهوم  
صمیمیت □ چشم چرانی □ خیانت به همسر □ تفاوت زنان و  
مردان □ عکس العملهای متفاوت زنان و مردان □ کاهش

معیارهای تبعیض آمیز □ طلاق □ سیر تکاملی طلاق □ طلاق و عملکرد مغز □ عوامل اجتماعی مؤثر در طلاق: یول حرف اول را می‌زند □ ظهور الگوهای نوین طلاق □ طرز برخورد زنان و مردان با طلاق □ ازدواجهای مکرر □ زنان، سرپرست خانواده‌ها □ مادران مجرد □ روزهای خوب گذشته □ زنان، حافظ خویشاوندان □ انتخاب خودخواستهٔ اعضاء خانواده □ برقراری پیوندهای بیشتر با خویشاوندان مادری □ آیا خانواده به بقای خود ادامه خواهد داد؟

- ۴۲۱ فصل یازدهم جامعه‌ای استوار بر تشریک مساعی زنان و مردان  
 باز یکنوازی  
 جنگ میان در جاس زن و مرد □ خانواده‌های تک‌فرزندی □  
 استقبال از فرزندان بوزاد □ دختر بچه‌های توانا

## مقدمه

### عصر کهن

#### پیشنهادی جسورانه

برای دیدن چیزها فقط یک راه وجود دارد و آن،

دیدن کل هر چیز است.

— جان راسکین (John Ruskin)

«زن چیست؟» این سؤالی است که سیمون دوبوار (Simone de Beauvoir)، در سال ۱۹۴۹ در کتاب مشهورش، جنس دوم، مطرح کرد. او بر این باور بود که زن چیزی نیست جز نتیجه و محصول فرهنگ‌ها، اجتماعی و اقتصادی. به عقیده او، «زن، از شکم مادر، زن متولد نمی‌شود بلکه تحت شرایط اجتماعی و اقتصادی است که به زن تبدیل می‌گردد.»

اکنون زمانه تغییر کرده است. دیگر شرایط با این اعصار دوبرابر سازگار نیست. اینک، شواهد علمی بسیاری در دست است که نشان می‌دهد تمام انسانها از بدو تولد، دارای جریانهای الکتریکی در مغز هستند که هدایتگر رفتارهای انسانی آنها است. علاوه بر این زن و مرد از جهاتی اساسی بایکدیگر متفاوتند. طی میلیونها سال زنان و مردان مسئولیتهای مختلفی بر عهده داشته‌اند، مسئولیتهایی که نیازمند مهارتهای متفاوتی نیز بوده‌اند. با گذر قرون متمادی و انتخاب طبیعی قوی‌ترها، تفاوتهای ظریفی در مغز زنان و مردان پدید آمد. در حقیقت می‌توان گفت یک زن به هنگام تولد، زن به دنیا می‌آید.

من و خواهرم دوقلو هستیم. ما دو نفر شباهتها و در عین حال تفاوتهای بسیاری بایکدیگر داریم. مثل هم می‌خندیم و حرکات و حالات چهره‌مان بی‌اندازه با هم شباهت دارد، اما تخصص من در رشتهٔ انسان‌شناسی است و او در کار هدایت بالون و نقاشی تبحر دارد. به واسطهٔ تجربیاتی که در طول زندگی کسب کرده‌ام، عمیقاً بر این باورم که والدین، معلمان، دوستان، شغل و هزار و یک عامل فرهنگی دیگر وجود دارد که بر افکار و رفتار هر فرد تأثیرات ژرفی بر جای می‌گذارند. میان دو عامل محیط و وراثت پیوندی ابدی وجود دارد، پیوندی عمیق و جدانشدنی. هیچ دو نفری را نمی‌توان یافت که کاملاً شبیه یکدیگر باشند.

رئیس مردان با استعدادها و تمایلاتی متولد می‌شوند که از هزاران سال پیش تا کنون بر این بارش افتاده است. مردان و زنان، یکسان نیستند. هریک، از استعدادهای ذاتی خاص بهره‌مندند. در حقیقت هریک به مثابهٔ پرونده‌ای هستند که خصوصیات اجدادشان را در خود بایگانی کرده‌اند. با این حال سیمون دوبوایز بیان کرده است. او بر دیدگاه رایج در قرن نوزده صحنه‌گذارده است. براساس این دیدگاه زندگی کشاورزی اجداد ما جایگاه زنان را به ردهٔ دوم تنزل داده است.

از دههٔ ۱۹۷۰ تا کنون پژوهشگران ثابت کرده‌اند که پیش از آن که نسل انسان به زندگی کشاورزی یکجانشین روی آورد، زنان از لحاظ اقتصادی و اجتماعی صاحب قدرت بودند. در دشتهای آفریقای کنونی زنان روزها همراه هم به دنبال یافتن میوه و سبزی می‌رفتند. تا زمان بازشدن آنها به قبیله، خویشاوندان‌شان مسئولیت نگهداری از کودکان را بر عهده می‌گرفتند. غذایی که این زنان همراه می‌آوردند بخش زیاد، و اکثراً بخش اعظم غذای قبیله را تأمین می‌کرد. در «عصر کهن» - لقبی که ادوارد اُ. ویلسون (Edward O. Wilson) به آغاز زندگی بشر روی کرهٔ زمین داده است - اقتصاد خانواده به کار زنان همان قدر وابسته بوده که به کار مردان. انسان‌شناسان معتقدند که در آن دوران، زنان کاملاً با مردان برابر بوده‌اند.

با این حال زمانی که تحولات کشاورزی به وقوع پیوست مردان فعالیتهای اقتصادی مهمی را عهده‌دار شدند: فعالیتهایی چون پاکسازی زمین، شخم زدن، و

برداشت محصول. دیری نگذشت که کارهای دیگری چون تجارت، جنگاوری، ریاست خانواده و ریاست قبیله را نیز به عهده گرفتند. و همچنان که سیمون دوبوار عنوان کرده است، زنان در بسیاری از جوامع کشاورزی به «جنس دوم» تنزل داده شدند، چنانکه هنوز در بسیاری از این گونه جوامع آنها را «جنس دوم» می‌دانند.

با وقوع انقلاب صنعتی در غرب، نیروهای اقتصادی قدرتمندی پا به عرصه زنان که رفته رفته زنان را به سوی کارهای اجتماعی درآمدزا سوق داد. اغراق نیست اگر بگوییم این تحول منجر به بی‌نظیرترین پیشرفت‌ها در طول حیات طولانی از زمان مابعد اندیشه شده است. این پیشرفت چیزی نیست جز بازگشت قدرت اقتصادی به زنان؛ زنان سراسر جهان به تدریج در حال کسب مجدد قدرت اقتصادی و سیاسی هستند که قرن‌ها پیش در اختیار آنان بود.

زنان با ورود به عرصه به رار اقتصادی جهان استعدادهای طبیعی بسیاری را نیز با خود به همراه می‌رهند و در

در این جا می‌خواهم پیشنهاد بسویانه‌ام را مطرح کنم: همچنان که زنان در سراسر جهان بیشتر و بیشتر وارد بازار می‌شوند، در بخشهای مختلف اجتماع قابلیت‌های ذاتی‌شان را به کار می‌گیرند و به طرز چشمگیر و بنیادین بر جنبه‌های مختلف قرن بیست و یکم از بیل تجارت مسائل جنسی، و زندگی خانوادگی تأثیر می‌گذارند. حتی خواهند توانست در بخشی از شاخه‌های اقتصادی به اقتداری کامل دست یابند و به عنوان جنس اول وارد عمل شوند. چرا؟ زیرا روند کنونی تحولات ایجاد شده در تجارت، ارتباطات، آموزش، حقوق، درمان، دولت، بخش‌های غیرانتفاعی، که مجموعاً تحت عنوان جامعه مدنی شناخته می‌شوند، همه و همه نمایانگر این موضوع هستند که در آینده جهان به قابلیت‌های ذهنی زنان نیازمند است.

زنان و مردان از چه لحاظ با هم متفاوتند؟ دلیل به وجود آمدن تفاوت‌های میان این دو جنس چه بوده است؟ خصوصیات زنانه و منحصر به فرد زنان چگونه جهان را دگرگون خواهد ساخت؟

وینستون چرچیل (Winston Churchill) گفته است که یک کتاب ابتدا به شکل یک اسباب‌بازی ذهن نویسنده‌اش را به خود مشغول می‌کند، سپس تبدیل

به معشوقی دلنشین می‌شود و دست آخر چون حکمرانی ستمگر تمام ذهن خالقش را به تسخیر درمی‌آورد. من شخصاً، بخش نخست گفته چرچیل را تجربه نکردم اما به محض آغاز نگارش این کتاب، پرسشهای بالا به معشوقی جذاب بدل شدند. ذهنم لحظه‌ای از این سؤالات فراغت نداشت. به دقت به بررسی اطلاعات موجود درباره موضوعات متنوعی چون آناتومی مغز، فشارهای غریزی، روانشناسی، تحقیقات مربوط به تفاوت‌های جنسیتی، تجارت حیوانی، و جمعیت‌شناسی پرداختم. زمان زیادی از آغاز این تحقیق نگذشته بود که توانستم استاد علمی بسیاری بیابم که نشانگر وجود تفاوت‌های بیولوژیکی و روانشناختی بین مردان و زنان بود.

زنان دارای استعداد‌های فوق‌العاده‌ای هستند که طی قرون متمادی در وجود آنها تکوین یافته است: استعداد به کارگیری ماهرانه لغات؛ توانایی درک مفهوم حرکات اعضا مختلف بدن و حالات چهره و سایر اشارات غیرکلامی؛ درک احساسات عاطفی. همدری؛ دراک بسیار قوی لامسه، چشایی، بویایی، و شنوایی؛ شکیبایی؛ توانایی انجام دادن بشید به چندین کار در آن واحد؛ توانایی توجه به هر موضوع با در نظر گرفتن شرایط محیطی مرتبط و متناسب با آن موضوع؛ اشتیاق بسیار به برنامه‌ریزی بلندمدت؛ برخورداری از مهارت ذاتی در مراد به مردم و توانمندی خاص برای «اکتاد و تبادل نظر؛ بهره‌مندی از انگیزه‌های ذاتی برای تربیت و سرپرستی؛ تمایل به تدریس مساعی؛ رسیدن به توافق همگانی؛ و مدیریتی که مبتنی بر مساوات میان اعضا گروه باشد. مردان نیز از استعداد‌های ذاتی بسیاری برخوردارند. از میان آنها می‌توان به چنین مواردی اشاره کرد: درک فضایی، استعداد در حل مسائل پیچیده ریاضی، توانمندی در متمرکز کردن حواس، و توانایی مهار کردن احساسات تمامی ویژگی‌هایی که عنوان شد با ساختار مغز این دو جنس که طی هزاران سال به تدریج شکل گرفته، مرتبط و متناسب است.

این بدان معنا نیست که زنان و مردان عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی هستند که با رشته‌هایی متصل به دی‌ان‌ای (DNA)\* بازی داده می‌شوند. با ظهور

\* ماده ژنتیک تقریباً همه ارگانیسم‌های زنده که توارث را کنترل می‌کند. سفرمنگ نسرده پزشکی آکسفورد، ترجمه مصطفی مفیدی، فرهنگان، ۱۳۷۵.

انسان بر روی زمین، مغز او تکامل تدریجی خود را آغاز کرد. ما فکر می‌کنیم. انبوهی از امکانات و احتمالات مختلف را بسبک و سنگین می‌کنیم. انتخاب می‌کنیم. مهارت‌های جدیدی می‌آموزیم. معمولاً بر قوانین وراثتی خود غلبه می‌کنیم و درباره زندگی مان تصمیم می‌گیریم.

با این حال، ما وارثان نسل‌های گذشته هستیم. این تفاوت‌های جنسیتی در انواع جوامع سراسر دنیا به چشم می‌خورد. علی‌رغم دیدگاه‌های در حال تحول در مورد زنان، این تفاوت‌ها طی دهه‌های متعددی، پیوسته در یک جامعه تکرار می‌شود. تعداد زیادی از این تفاوت‌ها در دوران کودکی ظاهر می‌گردند. بسیاری دیگر تحت تأثیر هورمون‌های زنانه و مردانه نمایان می‌شوند. برخی به وجود ژن‌های خاصی وابسته‌اند. و بعضی دیگر در دوران جنینی آشکار می‌شوند.

حتی دانشمندان منفرد کرده‌اند که چگونه برخی از این تمایلات وابسته به جنسیت در مغز زنان و مردان شکل می‌گیرند. به هنگام لقاح، جنس نطفه مشخص نیست. در مردان سه هشتم از دوران جنینی است که ژن‌های تأثیرگذار بر این امر فعالیت خود را آغاز می‌کنند. اگر قرار باشد جنین پسر شود، ژنی که بر روی کروموزم Y واقع است، موجب می‌گردد جوانه‌های غدد جنسی به بیضه تبدیل شوند. رشد و تکامل اندام جنسی مردانه منجر به تولید هورمون‌هایی می‌گردد که بعداً باعث ساختن بدن اعضا دستگاه تناسلی می‌شوند. بعدها همین هورمون‌ها بر روی ساختمان مغز تأثیر می‌گذارند.

اگر از لحاظ ژنتیکی مقدر باشد که جنینی دختر شود هیچ هورمون مردانه‌ای روی آن تأثیر نخواهد گذاشت. غدد جنسی زده در سنین هفتگی زندگی جنینی ظاهر می‌شوند. که همین امر بعداً روی ساختمان مغز تأثیر می‌گذارد. اخیراً پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که ژنی خاص (SRY) کروموزم X و هورمون‌های زنانه دوره جنینی نیز در شکل‌گیری ساحار کامل یک «زن» نقشی عمده ایفا می‌کنند. اما همه محققان در یک موضوع متفق‌القول‌اند و آن این که اگر هورمون‌های مردانه در دوران جنینی وارد عمل نشوند، جنین دختر خواهد شد.

در نتیجه این یافته‌ها، دانشمندان معمولاً زنان را محصول نوعی عملکرد ناقص بیولوژیکی در نظر می‌گیرند.

اما من به این موضوع از زاویه‌ای دیگر می‌نگرم. «زن» جنس اصلی و اولیه است - به بیانی دیگر جنس اول است. باید مواد شیمیایی خاصی به ترکیب هورمونی او اضافه گردد تا تبدیل به یک مرد شود. از همین رو است که جنس اول از لحاظ ژنتیکی، یعنی «زن»، در بسیاری از جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی نیز در جایگاه اول، ایفای نقش خواهد کرد.

با این حال، تشخیص وجوه تمایز میان «مرد» و «زن» کار چندان ساده‌ای نیست. هریک از ما آمیزه پیچیده‌ای از خصوصیات زنانه و مردانه هستیم. به قول سوزان سانتاگ (Susan Sontag)، «زیباترین جنبه هویت مردانه مردان، بخش زنانه و مرد آنها است؛ کما اینکه زیباترین وجه شخصیتی زنانه هر زن بخش مردانه و جوانی او است.» هیچ انسانی را نمی‌توان یافت که صد در صد مرد یا صد در صد زن باشد.

حتی میزان این آمیختگی خصوصیات مردانه و زنانه را، قواعد زیست‌شناسی رقم می‌زنند. مغز جنین آرام و مرحله‌ای رشد می‌کند، در نتیجه قسمتهای مختلف مغز در آنها، منطبق مستعد تأثیرپذیری نسبت به هورمونهای جنسی می‌شود. سیران هر یک از این هورمونهای جنینی نیز دستخوش تغییراتی دائمی است. بنابراین نوسانات هورمونهای نیرومند جنسی به بخشی از مغز خصوصیات مردانه می‌بخشند و بخش دیگر را دست نخورده باقی می‌گذارند. به همین دلیل است که هر انسان را حد فاصل طیفی از خصوصیات بیش از حد مردانه و خصوصیات بیش از حد زنانه قرار دارد و ویژگیهای مردانه و زنانه هر فرد به میزان و زمان تأثیر هورمونها در دوران جنینی بستگی دارد.

پس از دخالت عوامل ژنتیکی، نوبت به نیروهای محیطی می‌رسد. این نیروها از همان بدو تولد تأثیر خود را بر ساختار شخصیتی افراد آغاز می‌کنند. «بچه دختره!» «بچه پسره!» به محض اینکه هر کدام از ما متولد می‌شویم، کسی هست که جنسیت ما را اعلام کند. از این لحظه تا پایان عمر در یکی از دو گروه مردان یا زنان، قرار داده می‌شویم. رنگ آبی برای پسرها مناسب است، صورتی برای دخترها؛ ماشین بازی برای یکی و بازی با عروسک برای دیگری؛ نیروهای اجتماعی بسیار زیادی وجود دارند که نوجوانان و بزرگسالان و

کهنسالان دو جنس مختلف را به سوی رفتارهای خاص سوق می‌دهند. نیروهای محیطی نیز بر ترشح واسطه‌های شیمیایی داخل مغز، نوسانات تولید هورمونهای جنسی، و حتی بر فعالیتهای ژنها تأثیر می‌گذارد، و به گونه‌ای بسیار ظریف در تمام عمر رفتارها و فعالیتهای بیولوژیکی ما را متأثر می‌سازد.

آلبرت اینشتین یک بار در توصیف خرد گفت، «خرد دارای عضلاتی قوی اما ناقد شخصیتی خاص است.» فرهنگ بر داربست پیچیده مغزهای منحصر به فرد ما، خصیتهای منحصر به فرد بنا می‌کند. با این حال، داربست پیچیده مغز است که حرف اول را می‌زند. زنان عموماً برخوردار از قابلیتهای طبیعی خاص هستند. اما، تعداد باهوشانی که با به فعل درآوردن آنها دگرگونیهای شگرفی را در دنیای خاص پدید خواهند آورد.

دو پدیده مهم وجود دارند که به طرزی عجیب با هم در ارتباطند و نقش تأثیرگذار زنان را در دست می‌کشند. یکی، تعداد روزافزون زنانی که پا به سن یائسگی می‌گذارند و دیگری، سمومات ویژه سن یائسگی.

عده کثیری از نسل زنان بارور به سنین میانسالی نزدیک شده‌اند. بنا به گفته انسان‌شناسان، زنان میانسال در دنیا تمایل بیشتری به ابراز وجود کردن از خود نشان می‌دهند و با اعتماد به نفس بیشتری با مسائل برخورد می‌کنند. این امر تا حدودی به عوامل فرهنگی خاص مختلف مربوط است.

اما باید گفت که طبیعت نیز در این زمینه برای مساعد برای زنان میانسال فراهم می‌آورد. با پا گذاشتن به سن یائسگی، زنان پدید هورمونهای زنانه کاهش می‌یابد و از این رو ویژگیهای تستوسترون و سایر آندروژنها که در شرایط عادی با حضور مقدار زیادی از هورمونهای زنانه مهار می‌شوند، به شکلی فعال‌تر نمود پیدا می‌کند. آندروژنها، یا به بیانی دیگر هورمونهای مردانه، مواد شیمیایی قدرتمندی هستند که معمولاً در بسیاری از گونه‌های پستانداران از جمله انسان، با خصوصیات اقتدارطلبی و جسارت همراهند. برای خیل عظیم زنان باروری که به زودی به سن یائسگی قدم می‌نهند، چه از لحاظ اقتصادی، و چه از حیث ذهنی و هورمونی شرایط مساعدی مهیا خواهد بود تا تغییرات بنیادینی در جهان پدید آورند.

بنا به گفته گِردا لرنر (Gerda Lerner) یکی از تاریخدانان معاصر، «پیش از این، تاریخ هرگز چنین انبوه عظیمی از زنان قاطع و منتقد را به خود ندیده است، زنانی طغیانگر، مستقل و پولساز. ما در آستانهٔ قرنِ ایستاده‌ایم که ممکن است به عصر شکوفایی زنان تبدیل شود.»

هریک از شش فصل نخست این کتاب با اتکا به یافته‌های علمی مربوط به هنر، اطلاعاتی از فرهنگهای مختلف، و شواهدی از علوم انسان‌شناسی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، نژادشناسی، و سایر علوم رفتارشناسی و زیست‌شناسی، به بررسی تفاوت‌های موجود میان زنان و مردان می‌پردازد. مباحث هر فصل به دلایل نمود این تنوع‌های بیولوژیکی اختصاص دارد و نشان می‌دهد که چگونه این داده‌های ویژهٔ زنان به تدریج بر بعضی از بخش‌های جامعه تأثیرات خاص بر جای می‌گذارد. برای روشن‌تر شدن هر بحث از تأثیراتی که زنان در زمینه‌های چون روان‌رانه‌ها، تحصیلات، مشاغل خدماتی، حقوق، پزشکی، سازمان‌های صنفی، دولت، و نهادهای مدنی بر جای گذاشته‌اند و یا بر جای خواهند گذاشت، مثال‌ها و مطالعات گوناگون ارائه می‌شود.

در فصل هفتم مسألهٔ یائسگی مورد بحث قرار خواهد داد و نشان می‌دهم چگونه زنان سراسر دنیا در سنین میان‌سنی تأثیرگذارتر می‌شوند، و نظریهٔ جدیدی را مطرح می‌کنم مبنی بر این که نس زنان با این جهان با گام نهادن به دههٔ پنجاه سالگی عمر خود، از قدرت بیشتری برخوردار می‌شوند - نه تنها در بازار کار بلکه به هنگام انتخابات و تعیین خط مشی دولت. در فصل هشتم تا دهم، از تغییراتی که زنان پولساز و غیروابسته در الحوهای سنتی ازدواج و روابط میان زن و شوهرها پدید می‌آورند، سخن خواهم گفت. در فصل نهم در مورد امیدهایی که نسبت به آیندهٔ مردان و زنان جهان دارم با خوانندگان گفتگو خواهم کرد، این که زنان و مردان در جهت شناخت تفاوت‌های جنس مخالف‌شان گام خواهند داشت و برای این تفاوت‌ها چندان که باید ارزش قائل خواهند شد، قابلیت‌های ذاتی زنان را در بازارهای کار جهانی به کار خواهند گرفت، و از شواهد علمی به دست آمده در جهت ایجاد ارتباطی صمیمی و مطلوب میان دو جنس زن و مرد بهره خواهند جست. کتاب با این نتیجه‌گیری

به پایان خواهد رسید که زنان به تدریج تساوی گذشته خویش را با مردان باز خواهند یافت، چیزی که یکی از ویژگیهای طبیعی ولاینفک بشریت است و در عصر کهن، قاعده‌ای مرسوم بوده است.

من به آینده خوش بینم - نه تنها به آینده زنان که به آینده مردان هم: تمایل ذاتی زنان در توجه به هر موضوع با در نظر گرفتن شرایط محیطی مرتبط با آن موضوع و کنجکاوی عمیق آنها نسبت به مردم، به برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی، منحصر به فرد و تنوعی خاص خواهد بخشید. توانایی بالای زنان در زبان آموزی و به کارگیری زبان و تمایل آنها به مسائل متنوع و پیچیده باعث غنی‌تر شدن مطالب روزنامه‌ها، مجلات و کتابها می‌شود - و در نتیجه احساسات و باورهای ما را تحت تأثیر قرار خواهند داد. زنان به مدد ظرفیت بالایی که در زمینه‌های علمی، ادبی، هنری، اجتماعی، اقتصادی، روح و سرزندگی بیشتری می‌بخشند و آسایش و نوآوریهای مطلوبی را برای ساعات کاری و تفریحی ما به ارمغان می‌آورند.

زنان، درمان بالینی بیمارستان‌ها، عطوفت و شکیبایی مطبوعی در می‌آمیزند. در کلاس درس، به تخیل شاگردان پرورش می‌دهند. دیدگاه ما را نسبت به عدالت و سعت بیشتری می‌بخشند. همچنان که شرکتهای مختلف تجاری، ساختارهای مدیریتی متکی بر سلسله‌مراتب اداری را کنار می‌نهند و نسبت به کارهای گروهی برابرگرا تأکید بیشتری نشان می‌دهند. تمایل ذاتی زنان به برقراری ارتباط با شبکه وسیعی از افراد اهمیت بیشتری می‌بخشد. توانایی خاص زنان در توجه به هر موضوع با در نظر گرفتن شرایط محیطی مرتبط با آن موضوع و مهم شمردن برنامه‌های درازمدت، تمایل شدید آنها به تربیت و مراقبت از دیگران و همیاری برجسته آنها در نهادهای مدنی موجب مشارکت بیشتر این گروه از جامعه بشری نقشی اساسی در رفع نابسانیهای اجتماعی و زیست محیطی جهان ایفا کنند.

هر چه بیشتر می‌گذرد، زنان با بیان آشکارتر نیازهای جنسی خود، به زندگیهای زناشویی رغبت و شیرینی بیشتری می‌بخشند و مفهوم صمیمیت میان زن و شوهر و عشق‌ورزی را متحول می‌سازند.

اکنون زنان از تحصیلاتی بهتر، قابلیت‌هایی بیشتر، و جذابیت‌های مطبوع‌تری بهره‌مند شده‌اند. اگر در روند تکامل جامعه بشری قرار باشد زمانی فرا رسد که دو جنس زن و مرد بتوانند از فرصت‌هایی عالی برای برخورداری از مشاغل رضایت‌بخش و ازدواج‌هایی شاد بهره‌مند گردند، آن زمان همین امروز است.

www.ketab.ir